

بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران و زنان ۹-۴۵ ساله شهر همدان

نسبت به حجاب در سال ۱۳۹۴

حاجی محمد مهدیان نسب^۱، بابک معینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱

چکیده

هدف اصلی این مطالعه استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آجزن، جهت شناسایی عوامل مرتبط با گرایش دختران و زنان ۹-۴۵ ساله شهر همدان نسبت به حجاب می‌باشد. این مطالعه از نوع کاربردی با روش توصیفی - پیمایشی در سال ۹۴ بر روی ۹۰۰ نفر از دختران و زنان ۹-۴۵ ساله شهر همدان انجام گرفت. آزمودنی‌ها با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند و با تکمیل پرسشنامه محقق‌ساخته در این پژوهش شرکت کردند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و با کمک آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که میانگین نمره سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده شامل نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده با میانگین نمره رفتار ارتباط آماری معنی‌دار داشت. نگرش نسبت به حجاب و قصد رفتاری دو پیش‌گویی کننده مهم رفتار حجاب بودند. سازه‌های نگرش و هنجارهای انتزاعی با تأثیر مثبت و کنترل رفتاری درک شده با تأثیر معکوس بر روی قصد رفتاری برای انجام رفتار حجاب بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

واژگان کلیدی: حجاب اسلامی، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، نگرش، قصد رفتاری، هنجارهای انتزاعی.

۱- کارشناسی ارشد مدیریت و فرماندهی (نویسنده و مسئول)

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه

الگوهای تغییر رفتار و آموزش بهداشت برای درک چگونگی رفتار انسانی طراحی شده‌اند. از میان نظریه های تغییر رفتار، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB)^۳ با توجه به آن که کلیه سازه‌های آن باور محور می‌باشد، می‌تواند در تبیین عوامل مؤثر بر حجاب کارآمد باشد. این تئوری به غیر از عوامل فردی، به عوامل اجتماعی که در ایجاد رفتار، نقش مهمی دارند توجه خاص نشان می‌دهد (آجزن، ۱۹۹۱).

با توجه به اینکه بن مایه حجاب فرهنگی است، نوع نگاه پلیس به این مسأله نیز صبقه فرهنگی پیدا می‌کند. در راستای این نوع نگاه نیروی انتظامی برای شناخت هر چه بهتر مسأله بدحجابی در طیف‌های سنی متفاوت و شناسایی چند و چون مسأله بدحجابی و گاهی اوقات بی‌حجابی یکی از مهم‌ترین وظایف خود را در راستای نگاه فرهنگی به برطرف کردن این معضل، انجام پژوهش در این حوزه می‌داند، تا بتواند از نتایج آن برای از بین بردن این مشکل که پیکره اجتماع را به خطر می‌اندازد، نهایت استفاده را بکند.

اهمیت شناخت فرهنگ حجاب و توجه ویژه به این که مطالعه چندانی با این عنوان و در این زمینه بر روی جمعیت‌های گسترده انجام نشده است، و استان همدان به دلیل برخورداری از پایه‌های قوی دینی، معنوی و وجود یک بافت سنتی همواره بر مدگرایی افراطی غلبه داشته است، اما در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون از جمله نزدیکی به پایتخت و تأثیرپذیری از رسانه‌ها (اینترنت و ماهواره) و ورود شبکه‌های مجازی اجتماعی و حضور بالغ بر ۵۸

هزار دانشجوی دختر که بخش زیادی از آنها غیربومی است و همچنین گسترش حوزه گردشگری، از چالش‌های تغییرات فرهنگی و ارزشی بی‌نصیب نمانده است. لذا به دلیل اهمیت مسأله حجاب برای مسئولین جامعه، و در پاره ای موارد متدینین و برنامه‌ریزان فرهنگی و به منظور جلوگیری از عوارض بدحجابی و بعضاً بی‌حجابی و به دنبال آن افزایش جرم و جنایت در این حوزه بر آن شدیم تا در پژوهشی کاربردی با بهره‌گیری از سازه‌های نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده در تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده آجزن بررسی کنیم که "عوامل مرتبط با گرایش دختران و زنان ۹-۴۵ ساله شهر همدان نسبت به حجاب کدامند؟"

لازم به تأکید است که اگرچه پدیده بدحجابی از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات انجام شده در مورد حجاب و بدحجابی توانسته‌اند تا حدودی جنبه‌های مختلف مسأله را واکاوی نمایند، اما عامل مقتضیات زمان و مکان در پدیده بدحجابی مورد توجه قرار نگرفته است. فرهنگ‌ها و ساخت بومی هر شهر و استان با دیگر شهرها و استان‌ها متفاوت است، و همین موضوع در عمل و میدان اجرا نیروی انتظامی را با موانع و مشکلاتی مواجه ساخته است، لذا به دلیل اهمیت مسأله حجاب لازم است عوامل مرتبط با گرایش دختران و زنان نسبت به حجاب در شهر همدان به خوبی در بین اقشار مختلف دختران و زنان جامعه شناسایی گردد.

مطالعات زیادی در خصوص عوامل مرتبط با گرایش به حجاب انجام شده است. به‌طور مثال، در پژوهش مجتهدی و خدادادی (۱۳۷۷) با عنوان آگاهی و نگرش دختران دبیرستانی شهرستان ملایر مشخص گردید، که میزان آگاهی دانش‌آموزان خوب بوده و اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان با

حجاب به‌طور کامل و بلاخص چادر موافقت و تنها تعداد معدودی مخالف وجود دارد. چاوشی (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان دیدگاه برتر جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر در سال ۸۴ روی ۸۲۳ نفر از جوانان و میانسالان مراجعه کننده به مراکز درمانی تهران انجام دادند. نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه جوانان و میانسالان نسبت به ضرورت رعایت حجاب توسط بانوان، میزان آشنایی با شرایط پوشش صحیح اسلامی، بهترین نوع پوشش برای بانوان جامعه و ایجاد محدودیت در فعالیت‌های زنان در صورت استفاده از چادر وجود داشت. علوی و حجتی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۸۶ انجام دادند. نتایج نشان داد که وضعیت دینی و نگرش‌های سیاسی در بدحجابی دانشجویان تأثیرگذار هستند. در تحقیقی که دشتی و معینی (۱۳۹۲) با عنوان بررسی رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب بر مبنای تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر روی ۱۶۰ نفر انجام دادند، نتایج آزمون آماری معنی‌داری بین سلامت معنوی و نگرش نسبت به حجاب و کنترل رفتاری درک شده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده را نشان داد. در مطالعه طیبی نیا و احمدی (۱۳۹۲) در زمینه بررسی ابعاد حجاب و عفاف و طراحی مدل معادلات ساختاری آن در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در استان همدان که بر روی ۱۰۶۹ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبقه‌ای تصادفی انجام شد، مشخص گردید که مهم‌ترین معرف متغیر مکنون حجاب به ترتیب اهمیت التزام عملی، باور و آگاهی بوده است.

اندرسون در پژوهشی که در سال ۲۰۰۷ در ایالات متحده انجام داد، نشان داد که از کارکردهای مهم حجاب از دید زنان مسلمان این کشور، عامل‌های هویت دینی، کنترل رفتار، ایجاد ارتباطات نزدیک خانوادگی، قابلیت احترام بیشتر و ایجاد آزادی می‌باشد. یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در سال ۲۰۰۷ در ایالات متحده توسط رایز نشان داد که هدف زنان مسلمان از داشتن حجاب انتقاد به فرهنگ رایج فردگرایی، مادی گرایی و بی‌بندوباری جنسی در ایالات متحده است. در ادامه، به بررسی "حجاب" می‌پردازیم.

معنای لغوی کلمه "حجاب" که در عصر ما برای پوشش زن معرفی شده است، هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده است اما بیشتر کاربرد آن معنای پرده می‌باشد و این کلمه از آن جهت معنی پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که توسط پشت پرده واقع شدن صورت می‌گیرد (خرقانی نقل از اکبری دستک، ۱۳۸۴: ۴۳).

معنای اصطلاحی این کلمه متناسب با معنای لغوی آن می‌باشد. معنای اصطلاحی حجاب، همان پوشش مخصوص زنان است. گاهی هم به معنای پرده و حاجب می‌آید (میرزاجانی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

از نظر استاد شهید مطهری (ره) وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، بدین معنا نیست که زنان از خانه بیرون نروند و در خانه محبوس باشند، بلکه پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خود نمایی نپردازد (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۹). از منظر فرهنگ شناسی، حجاب، نمود بیرونی باورهایی است که در لایه‌های زیرین فکری و شخصیتی افراد قرار دارند (مختاریان پور، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

خداوند در قرآن (سوره نور) به پیامبر اسلام (ص) خطاب می‌فرماید که به مردان و زنان با ایمان فرمان دهد تا برای پاسداشت پاکی‌ها و فضایل و رسیدن به کمال، نگاه‌های خود را از نامحرم فروکاهند و دامان (عورت) خویش را بپوشانند و به زنان با ایمان فرمان دهد که اندام‌ها و زینت‌هایشان را در برابر نامحرم آشکار نسازند و خود را با مقنعه و چادرهایشان بپوشانند و با حفظ حریم در برابر نامحرم و پرهیز از هر گونه رفتار تحریک‌آمیز، سلامت جامعه را پاس داشته و خود را نیز از آزارها و مزاحمت‌های هوسرانان مصون و محفوظ بدارند (حق شناس، ۱۳۸۶).

پوشش زن از احکام مشترک میان همه ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) است که هر کدام جداگانه اهمیت و جایگاه آن را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ تنها تفاوت در حدود حجاب و گاه فلسفه آن است. در اسلام رعایت حجاب به منظور حفظ پاکی و قداست زن و اجتماع مورد توجه خاص قرار گرفته و حدود آن با توجه به آیات و روایات، پوشاندن همه بدن به جز وجه و کفین معرفی شده است (ذبیحی، ۱۳۸۶).

ردپای حجاب و پوشش در جامعه ایران به زمان‌های قبل از ورود اسلام به این سرزمین برمی‌گردد. هر چند اصطلاح "حجاب" به معنای پوشش اسلامی، در فرهنگ آن زمان مطرح نبود اما زنان ایرانی، حجاب و پوشش مخصوص زمان خود را داشتند. به‌عنوان نمونه، در عهد هخامنشیان هر چند چهره کامل زنان دیده می‌شد و پیراهنشان مانند پیراهن مردان پارسی بود، اما مردان آن عهد از پارچه شنل مانندی که حالت شبیه به چادر داشت، استفاده می‌کردند (پارسا، ۱۳۷۲: ۶۵).

در عصر ساسانیان نیز پوششی مانند چادر وجود داشت که از یک روسری بلند تشکیل می‌شد و سر را بدون پوشاندن صورت می‌پوشاند و بلندی آن قسمتی از بالا تنه را فرا می‌گرفت.

با ورود اسلام به ایران تأکید جدی منابع اسلامی به ویژه قرآن کریم بر حفظ حجاب، جایگاه این پدیده در بین زنان ایرانی به‌عنوان یک تکلیف اسلامی، مهم جلوه داده شد؛ به‌طوری که تا اواخر قرن سیزده شمس‌یه همواره در حکومت‌های مختلف غزنویان، سلجوقیان، مغول، صفویه، زندیه و قاجاریه، زنان ایرانی به اشکال مختلف دارای پوشش اسلامی بوده‌اند (پارسا، ۱۳۷۲: ۷۲).

در اواخر سلطنت قاجار، همراه با آغاز تماس ایران با غرب، به تدریج آموزه‌های مبتنی بر اندیشه‌های غربی وارد جامعه ایران شد و تلاش قابل ملاحظه‌ای برای وابسته کردن کشور در عرصه فرهنگ و سیاست صورت گرفت. از سویی حاکمان آن زمان اقدامات جدی در جهت غربی‌سازی تمام حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های فرهنگی صورت دادند.

در دوران پهلوی، رضاخان که عملاً راه تقلید از غرب را برای رسیدن به توسعه‌یافتگی و پیشرفت ایران انتخاب کرده بود، نسبت به شبیه‌سازی مظاهر فرهنگی ایران با فرهنگ غرب اقدام کرد؛ از جمله اقدامات وی در حوزه فرهنگی، تلاش برای جایگزین کردن "فرهنگ برهنگی" به جای "فرهنگ پوشش" بود که به بهانه آزاد کردن زنان از قید و بند صورت می‌گرفت. به دستور وی، در دی ماه ۱۳۱۴ شمسی در جریان مدرنیزه کردن کشور، فرمان تاریخی کشف حجاب صادر شد و ترویج فرهنگ برهنگی به حد اعلی رسید.

در زمان محمدرضاشاه همین روند ادامه داشت؛ با این تفاوت که کشف حجاب در عصر رضاشاه با زور سرنیزه بود، در حالیکه محمدرضا با کمک تبلیغات بر انجام آن پای می‌فشرد (زیبایی نژاد، ۱۳۷۹: ۶۳).

اما جامعه ایران در دوران پهلوی هرگز حاضر به پذیرش سیاست برهنگی نشد، بلکه همواره اعمال این سیاست دولت را در راستای از بین رفتن مشروعیت حکومت تلقی کرد؛ به نحوی که مخالفت با کشف حجاب دولت، خود به‌عنوان یکی از تقاضاهای انقلابیون برای تحقق انقلاب اسلامی مطرح شد (شکوری، ۱۳۹۰).

از لحاظ جامعه‌شناسی، پدیده‌های اجتماعی و از جمله حجاب، به صورت مشترک توسط اعضای اجتماع ساخته و پرداخته می‌شوند، به نحوی که در ابتدا هر فردی یک برداشت از یک پدیده اجتماعی دارد، سپس افراد مختلف برداشت‌های خود را طی تعاملات اجتماعی با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و نقاط تفاوت و افتراق این برداشتها به یکدیگر نزدیک شده و نیز برداشت‌های اشتباه طی این تعاملات اصلاح می‌شود و یک واقعیت اجتماعی مشترک شکل می‌گیرد که مورد قبول همه افراد اجتماع بوده و به‌عنوان یک هنجار اجتماعی به آن گردن می‌نهند و این واقعیت اجتماعی ساخته شده توسط خود آن اجتماع، به رفتارهای اجتماعی آنها جهت می‌دهد. برای نهادینه کردن حجاب در جامعه باید شیوه اجتماعی شدن افراد جامعه بر اساس موازین اسلامی اصلاح شود.

بهویی و همکارانش در پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ در بین دختران بنگلادشی انجام دادند؛ نشان دادند که دخترانی که لباس‌های سنتی و مذهبی را بر لباس‌های غربی ترجیح می‌دهند، کم‌تر مستعد مشکلات روانی در

زندگی آینده هستند. پوشش، مؤلفه لازم در هویت فردی است و نوع پوشش انتخابی توسط دختران، اثرات دراز مدتی بر بهزیستی آنها دارد.

حجاب پدیده‌ای اجتماعی یا واقعیتی اجتماعی در جامعه مذهبی ما به حساب می‌آید. تا زمانی که جاذبه و میلی درونی برای پیروی از این پدیده وجود نداشته باشد، تحت تأثیر سه نیروی هنجاری اجبار، خارجی بودن و عمومیت است. با کاهش قدرت این سه نیرو یا عدم تعادل میان آنها با "مسأله حجاب" یا "اختلال هنجاری در حجاب" به‌عنوان پدیده اجتماعی روبه‌رو می‌شویم، می‌توان آن را نوعی "آنومی پوششی" تلقی کرد که در واقع تابعی از "آنومی اجتماعی" است (محبوبی منش، ۱۳۸۶).

بر مبنای پنج شکل اختلال هنجاری جامعه، می‌توان پنج شکل مختلف اختلال هنجاری حجاب را به شرح زیر برشمرد:

قطبی شدن هنجاری: چنانچه رفتارها و نگرش‌های اجتماعی را در یک طیف تصور کنیم، در یک حالت متعادل، بخش بزرگی از مردم در میانه طیف قرار دارند که تحت تأثیر فشار هنجاری هستند و بخش کوچکی در دو انتهای طیف قرار دارند که کم‌تر از حد متوسط تحت فشار هنجاری‌اند. اما اگر دو مجموعه اکثریت وجود داشته باشد که یکی از آنها به حجاب و طرز پوشش، بیش از حد متوسط فشار هنجاری احساس تعهد کند و دیگری احساس تعهد کم‌تری داشته باشد، در این حالت با اختلال قطبی شدن هنجاری درباره "پوشش" در جامعه روبه‌رو خواهیم شد.

تضاد هنجاری: در وضعیت تضاد هنجاری، وفاق ارزشی و هنجاری لازم وجود ندارد، به‌طوری که برای مقوله‌های اجتماعی، دو هنجار یا چند مجموعه هنجار متفاوت وجود دارد. برای مثال، درباره سبک پوشش زن در

جامعه، یک هنجار قائل به پوشش چادر و مقنعه به رنگ مشکی یا تیره است و هنجار دیگر نیز قائل به پوشش به وسیله کت و دامن همراه با روسری و جوراب با رنگ روشن یا مانتویی متوسط (نه بلند و نه کوتاه و نه تنگ و چسبان) با روسری متوسط و شلوار معمولی (نه گشاد و نه تنگ و کوتاه) با رنگ روشن و شاد و غیره است. در این حالت، با یک جامعه قطع‌ای رو به رو هستیم که در آن تنظیم اجتماعی مشکل بوده و انسجام کلی نیز تضعیف شده است.

ناپایداری هنجاری: ناپایداری هنجاری مبتنی بر تناقض منطقی بین دو یا چند هنجار در یک نظام هنجاری است. به‌عنوان مثال، دربارهٔ سبک پوشش زنان، هنجار قانونی فرد را ملزم می‌کند "حجابت را رعایت کن" و هنجار اخلاقی به فرد توصیه می‌کند "رفتارت با متانت باشد" و هنجار سومی هم سفارش می‌کند که "باید به دنبال مد روز غربی باشی." این سه هنجار تا حدودی با هم تناقض دارند؛ یعنی پایداری منطقی بین آنها ضعیف است. بر این اساس، در جامعه‌ای که دائماً از طریق رسانه‌های جمعی، فناوری نوین، ورود توریست‌ها و ... شبه ارزش‌های غربی تبلیغ و ترویج می‌شود و به نیازهای کاذب برای مصرف کالاهای غربی و نوع پوشش غربی دامن زده می‌شود، این مسأله موجب بی‌ثباتی هنجارهای قانونی و اخلاقی حجاب، عفاف و حیا می‌شود.

ضعف هنجاری: منظور از ضعف هنجاری کمبود عقله و تعهد نسبت به هنجار در میان اکثریت افراد جامعه و وجود تعهد بالا در عده‌ای معدود است؛ به بیان دیگر، فشار هنجاری مورد نظر برای اکثریت جمعیت به دلایلی کم

است. در این حالت، ممکن است در زمینه رعایت حجاب هنجارهای مختلفی وجود داشته باشد.

بی هنجاری: حالت بی هنجاری به وضعیتی اطلاق می‌شود که انجام امور فارغ از هر گونه هنجاری صورت می‌پذیرد. تغییرات سریع و بی‌وقفه سیاسی و اجتماعی کشور در نیم قرن اخیر، جامعه ما را به یک جامعه ناهمگون، آنومیک و قطعه‌ای بدل کرده که هر قطعه آن، هنجارهای خاص خودش را دارد و میان این بخش‌ها رابطه منظمی برقرار نیست. در وضعیت بی هنجاری، برای نوع پوشش و طرز لباس پوشیدن زنان با نوعی آشفتگی و بی‌قاعدگی روبه‌رو می‌شویم که در آن، افراد باحجاب در برخی عرصه‌های عمومی و رسمی دارای احترامند و در برخی محیط‌های دیگر فاقد احترام، و افراد بدحجاب با شکل و شمایل نابهنجار در عرصه عمومی ظاهر می‌شوند که در آن مانتوها کوتاه و کوتاه‌تر و چسبان و چسبان‌تر، روسری‌ها هم کوچک‌تر، باریک‌تر و نازک‌تر شده و شلوارها هم کوتاه، چسبان و کوچک‌تر می‌شود تا جایی که از حالت برهنگی و عریانی هم تحریک‌کننده‌تر می‌شود و ممکن است فرد در ظاهر پوشیده باشد، ولی در واقع پوشیده‌ای برهنه است. پیامبر اکرم (ص) این زنان را کاسیات عاریات (پوشیدگان عریان) یعنی زنانی که ظاهراً پوشیده هستند، ولی در واقع برهنه‌اند، نامیده‌اند.

در حال حاضر، کشور ایران از تمامی مشکلات هنجاری پنج گانه فوق رنج می‌برد و نیازمند اصلاح هنجاری جامع و عمیق است (محبوبی منش، ۱۳۸۶). در ادامه، به تشریح "تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده" می‌پردازیم.

تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده چارچوبی برای مطالعه نگرش‌ها از طریق رفتارها فراهم می‌کند. بر طبق این تئوری، مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار

شخص، قصد فرد است که منجر به انجام یک رفتار می‌شود و ترکیبی از نگرش نسبت به انجام رفتار و هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده می‌باشد. نگرش فرد نسبت به رفتار شامل: عقیده رفتاری بارز، ارزشیابی از نتایج رفتار و هنجارهای ذهنی شامل: عقیده هنجاری و انگیزه برای اطاعت است.

در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، فرض بر این است که قصد رفتاری تعیین کننده مستقیم رفتار است و اشاره می‌کند که سه عامل روی قصد فرد اثرگذار است.

الف) نگرش: اولین عاملی که روی قصد افراد برای انجام رفتار و یا عدم انجام رفتار تأثیر دارد، نگرش و گرایش‌ها هستند که عامل شخصی نیز نامیده می‌شود. هدف از نگرش ارزشیابی منفی و یا مثبت شخص در مورد انجام یا عدم انجام یک رفتار مشخص می‌باشد. ممکن است نگرش فرد برای انجام رفتاری مثبت باشد، ولی نگرش فردی دیگر نسبت به آن رفتار منفی باشد. بر طبق این تئوری، نگرش فرد درباره یک شیء نتیجه عملکرد عقاید فرد درباره شیء و ارزیابی پاسخ‌ها در ارتباط با این عقاید می‌باشد. عقاید نسبت به یک شیء پایه اصلی برای شکل‌گیری نگرش نسبت به یک شیء می‌باشند. نگرش‌ها معمولاً به وسیله ارزیابی عقیده شخص مشخص می‌شود. مشخص است که به منظور مشخص کردن علت شکل‌گیری و تغییر نگرش و قصد افراد، باید فرآیند شکل‌گیری آنان بررسی شود. به‌طور کلی، عقاید اشاره به احتمال قضاوت ذهنی شخص در ارتباط با بسیاری از جنبه‌های قابل تمیز جهان پیرامون شخص دارند. آنها با درک شخص از محیط خودشان در ارتباط می‌باشند (آیزن، ۱۹۸۷).

ب) **هنجارهای انتزاعی:** بر این مبنا استوار است که افراد تحت تأثیر اشخاص مختلفی در جامعه نظیر پدر، مادر، همسر، رهبران مذهبی، فامیل، کارکنان بهداشتی و غیره قرار گرفته و در اثر نفوذ یا فشار آنها رفتاری را انجام داده و یا انجام نمی‌دهند. در حقیقت، فرد قصد خود را بر مبنای خواسته دیگران استوار می‌کند. هنجارهای انتزاعی تنظیم‌کننده استانداردهایی برای اجرا هستند که افراد می‌توانند بپذیرند و یا آنها را رد کنند (آیزن، ۱۹۷۲).

ج) **کنترل رفتاری درک شده:** نشان می‌دهد که تا چه اندازه یک فرد احساس می‌کند انجام یا عدم انجام رفتار تحت کنترل ارادی او قرار دارد. اگر فرد عقیده داشته باشد که منابع یا فرصت‌های انجام رفتاری را ندارد، احتمالاً قصد قوی برای انجام رفتار نخواهد داشت، اگر چه نگرش‌های مثبت به رفتار داشته باشد و حتی عقیده داشته باشد که افراد مهم هم آن رفتار را تصویب می‌کنند. کنترل رفتاری درک شده از دو قسمت تشکیل شده است.

باور کنترل^۴: عقیده در باره اینکه عواملی وجود دارند که تسهیل‌کننده و یا مانع انجام یک رفتار مشخص می‌باشند.

قدرت کنترل^۵: قدرت درک شده برای کنترل هر یک از این عوامل تسهیل‌کننده و یا بازدارنده (آیزن، ۱۹۹۱).

کنترل رفتاری درک شده می‌تواند هم به‌طور مستقیم و هم می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر انجام رفتار تأثیر بگذارد. در حالت غیرمستقیم، کنترل رفتاری درک شده از طریق قصد رفتاری تأثیر خود را بر رفتار اعمال می‌کند. برای این

1-control belief

5-Perceived power

فرضیه که کنترل رفتاری می‌تواند همراه با قصد به‌طور مستقیم رفتار را پیشگویی کند، می‌توان دو دلیل آورد:

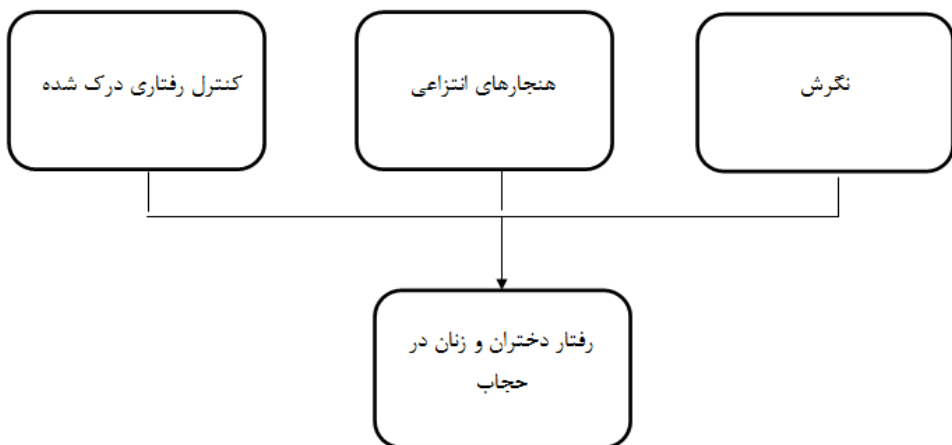
1- کوشش صرف شده برای انجام یک رفتار احتمالاً با افزایش کنترل رفتاری درک شده افزایش می‌یابد.

2- کنترل رفتاری درک شده می‌تواند اغلب به‌عنوان یک جانشین از کنترل واقعی اندازه‌گیری شود.

یک عامل اصلی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده قصد فرد برای انجام رفتار مشخص می‌باشد. فرض بر این است که قصد عوامل انگیزشی را که بر رفتار تاثیر می‌گذارند، تحت کنترل دارد. قصد رفتاری^۶ اشاره به قصد فرد برای انجام انجام دادن یک رفتار مشخص می‌باشد. قوی بودن یک قصد به‌وسیله یک احتمال ذهنی فرد نشان داده می‌شود که فرد رفتار مورد نظر را انجام خواهد داد. در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده قصدها مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتارها می‌باشند. تئوری عمل منطقی و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده پیشنهاد می‌کنند که رفتار فرد به‌وسیله قصد فرد برای انجام یک رفتار تعیین می‌شود. قصد فرد بازنمایی شناختی از آمادگی فرد برای یک رفتار مشخص می‌باشد. آیزن پیشنهاد کرد که قصد فرد برای انجام یک رفتار مشخص، کارکرد سه عامل می‌باشد: این سه عامل عبارتند از نگرش فرد، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده (آیزن، ۱۹۸۰).

جمع بندی ادبیات و مدل مفهومی تحقیق:

آموزش و اصلاح هنجارهای جامعه چیزی جز علم و هنر جلب مردم به یک فرآیند یادگیری برای ایجاد رفتار مطلوب (رعایت حجاب اسلامی) نیست. از طرفی، ارزش پروژه‌های تحقیقاتی به میزان اثربخشی این تحقیقات بستگی دارد و اثربخشی تحقیقات به مقدار زیادی بستگی به استفاده صحیح از تئوری‌ها و مدل‌های مورد استفاده دارد. نظریه‌های مختلفی در تحلیل رفتار از قبیل نظریه یادگیری اجتماعی، الگوی اعتقاد بهداشتی، بازاریابی اجتماعی وجود دارد. مستند به ادبیات موجود با توجه به این که رعایت حجاب یک رفتار محسوب می‌شود یکی از نظریه‌های رفتار سلامت که برای بررسی عوامل مرتبط با رعایت حجاب دختران و زنان مناسب به نظر می‌رسد، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده می‌باشد. بنابراین، مبنای کار این پژوهش نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آیزن و فیشر (۱۹۹۱) می‌باشد. بر این اساس مدل مفهومی تحقیق به شکل نمودار ۱ ارائه می‌گردد:



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

با توجه به موارد مطرح شده فرضیات پژوهش به صورت زیر مطرح می گردد:

- بین نگرش نسبت به حجاب و رفتار حجاب رابطه معنی داری وجود دارد.
 - بین هنجارهای انتزاعی و رفتار حجاب رابطه معنی داری وجود دارد.
 - بین کنترل رفتاری درک شده و رفتار حجاب رابطه معنی داری وجود دارد.
- این تحقیق از نوع کاربردی بوده که با روش توصیفی پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل دختران و زنانی بود که در حدود سن فقهی رعایت حجاب قرار دارند که ساکن شهر همدان بوده و تمایل به شرکت در پژوهش را دارند و بر اساس آمار مرکز بهداشت شهرستان دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۳ و تفکیک سنی و جنسی شهر همدان و نسبت جمعیتی هر زیر رده سنی تعیین شدند. با توجه به گستردگی جامعه آماری، نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. در گروه سنی ۹-۱۸ سال که در مدارس حضور داشتند، ابتدا از هر یک از مناطق آموزش و پرورش شهر همدان (۲ منطقه) تعداد ۶ مدرسه (۲ ابتدایی و ۴ متوسطه) دخترانه به تصادف انتخاب و سپس از هر یک از مدارس ابتدایی یک کلاس پایه ۳، ۴، ۵ و ۶ انتخاب و از هر کلاس نیز ۷ دانش آموز بر اساس فهرست اسامی آنها به تصادف انتخاب شد و مورد پرسشگری قرار گرفت. از هر یک از مدارس متوسطه (۴ مدرسه) نیز یک کلاس پایه ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ انتخاب و از هر کلاس نیز ۵ دانش آموز بر اساس لیست اسامی آنها به تصادف انتخاب شد و مورد پرسشگری قرار گرفتند. جهت گروه سنی ۴۵-۱۹

سال ، با توجه به اینکه شهر همدان ۳۲ مرکز بهداشتی درمانی داشت و هر پرسشگر در طی روز توانایی تکمیل ۳۰ پرسشنامه را داشت ، لذا با توجه به حجم نمونه ۹۶۰ نفر در این رده سنی به تعداد ۲۲ خوشه نیاز بود. هم‌چنین از فهرست پرونده‌های مراکز بهداشتی درمانی استفاده کرده و سرخوشه‌های به‌طور تصادفی از آنها انتخاب شد، به‌طوریکه بعد از تعیین آدرس سرخوشه اول از هر مرکز و به‌کارگیری قاعده سمت راست ۲۹ خانوار بعدی در هر خوشه مورد پرسشگری قرار گرفتند. باید گفت که برای تعیین تعداد نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و پس از بررسی پرسشنامه‌ها مشخص شد که تعداد ۶۰ عدد از آن‌ها غیرقابل بهره‌برداری می‌باشد و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس ۹۰۰ پرسشنامه صورت گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی پرسشنامه به‌صورت روایی محتوایی با نظر ۴ نفر از متخصصین آموزش بهداشت و ۲ نفر از متخصصین گروه معارف اسلامی مورد تأیید قرار گرفت، هم‌چنین، پایایی پرسشنامه پس از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ۳۰ نفر از دختران و زنان گروه هدف با روش همسانی درونی و از نوع روش ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون‌های آماری استنباطی شامل آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس یکطرفه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. سطح معنی‌داری تمام آزمون‌ها برابر ۰/۰۵ انتخاب شد و برای انجام محاسبات آماری نرم افزار SPSS (نسخه ۱۹) مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه بود که توسط پرسشگران آموزش دیده در بین افراد شرکت کننده توزیع و تکمیل شد. پرسشنامه محقق ساخته حجاب دختران و زنان بر مبنای تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده که قبلاً در مطالعه مشابهی (دستی و همکاران، ۱۳۹۲) به کار برده شده است، توسط شرکت کنندگان تکمیل شد. این پرسشنامه شامل موارد زیر بود:

سوالات دموگرافیک شامل اطلاعات مربوط به سن، شغل، وضعیت تأهل، قومیت، تحصیلات و ... بود که به صورت خودگزارش‌دهی توسط شرکت کنندگان تکمیل شد. ابزار جمع آوری اطلاعات در این قسمت پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن سنجیده شد.

یافته‌ها

سن: ۳۹/۱ درصد از شرکت کنندگان در گروه سنی ۲۵ سال به بالا قرار دارند. وضعیت تأهل: ۵۸ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش مجرد هستند. تحصیلات: ۳۰/۶ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش تحصیلات دیپلم دارند.

شغل: ۳۳/۳ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش محصل می‌باشند. وضعیت نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری و رفتار شرکت کنندگان نسبت به حجاب

جدول (1) توزیع میانگین، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده

سازه	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
نگرش نسبت به حجاب	۷۹/۴	۱۶/۹	۳۳	۱۲۰
هنجارهای انتزاعی	۴۵/۰۷	۷/۵	۲۱	۶۵
کنترل رفتاری درک شده	۴۰/۲	۴/۴	۲۸	۵۴
قصد برای رفتار حجاب	۹/۷۵	۲/۶	۵	۱۵
رفتار رعایت حجاب	۹/۹	۳/۵	۳	۱۸

فرضیه اول: بین نگرش نسبت به حجاب و رفتار حجاب رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرض مقابل H1: رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش نسبت به حجاب و رفتار حجاب وجود دارد.

جدول (2) بررسی وضعیت رعایت رفتار حجاب بر حسب نگرش شرکت‌کنندگان در پژوهش

نگرش		متغیر
معنی‌داری	ضریب	
۰/۰۰۰	۰/۴۸۰	رفتار

باتوجه به جدول 7، ضریب همبستگی برای این دو متغیر برابر با 0/480 است. مقدار عدد معنی داری مشاهده شده کوچکتر از 0/01 می باشد که از سطح معنی داری استاندارد ($\alpha=0/05$) کم تر است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان 95% تایید نمی شود. یعنی بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر دارای علامت مثبت می باشد. بنابراین، جهت تغییرات این دو متغیر با یکدیگر هم جهت و از نوع مثبت می باشد. یعنی هر چه نگرش نسبت به حجاب بالاتر باشد، رعایت رفتار حجاب بهتر است و بر عکس هر چه نگرش نسبت به حجاب پایین تر باشد، رعایت رفتار حجاب کم تر است.

فرضیه دوم: بین هنجارهای انتزاعی و رفتار حجاب رابطه معنی دار وجود دارد.

فرض مقابل H_1 : رابطه مثبت و معنی داری بین هنجارهای انتزاعی و رفتار حجاب وجود دارد.

جدول (3) بررسی وضعیت رعایت رفتار حجاب بر حسب هنجارهای انتزاعی شرکت کنندگان در پژوهش

هنجارهای انتزاعی		متغیر
معنی داری	ضریب	
۰/۰۰۰	۰/۳۲۹	رفتار

جدول 3 نشان می دهد که بین هنجارهای انتزاعی و رفتار حجاب رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد. به عبارتی، هر چه هنجارهای انتزاعی نسبت به حجاب بالاتر باشد، یعنی افراد باور قوی تری داشته باشند که

مهم‌ترین افراد زندگی‌شان از آنها می‌خواهند که رفتار حجاب را رعایت نمایند، رعایت رفتار حجاب بهتر است و بر عکس، هر چه هنجارهای انتزاعی نسبت به حجاب ضعیف‌تر باشد، رعایت رفتار حجاب کم‌تر است. فرضیه سوم: بین کنترل رفتاری درک شده و رفتار حجاب رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرض مقابل H1: رابطه معنی‌داری بین کنترل رفتاری درک شده و رفتار حجاب وجود دارد.

جدول (4) بررسی وضعیت رعایت رفتار حجاب بر حسب کنترل رفتاری درک شده شرکت‌کنندگان در

پژوهش

کنترل رفتاری درک شده		متغیر
معنی‌داری	ضریب	
۰/۰۰۰	-۰/۲۳۸	رفتار

جدول 4 نشان می‌دهد که بین کنترل رفتاری درک شده و رفتار حجاب رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی، هر چه کنترل رفتاری درک شده نسبت به حجاب بالاتر باشد، رعایت رفتار حجاب کم‌تر است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین قصد رفتاری و رفتار حجاب رابطه مستقیم معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی، هر چه قصد افراد برای انجام رفتار حجاب بالاتر باشد، رعایت رفتار حجاب بهتر است.

جدول (5) بررسی وضعیت رعایت رفتار حجاب بر حسب قصد رفتاری شرکت کنندگان در پژوهش

قصد رفتاری		متغیر
معنی داری	ضریب	
۰/۰۰۰	۰/۶۸۵	رفتار

جدول 6 رابطه آماری بین وضعیت رعایت حجاب اسلامی دختران و زنان ۴۵-۹ ساله شهر همدان با سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده را نشان می دهد.

جدول (6) رابطه همبستگی بین رفتار و سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده

رفتار (رعایت حجاب)	قصد رفتاری	کنترل رفتاری درک شده	هنجارهای انتزاعی	نگرش نسبت به حجاب	متغیر
				۱	نگرش نسبت به حجاب
			۱	۰/۷۹۰ **	هنجارهای انتزاعی
		۱	-۰/۱۱۱ *	-۰/۲۸۴ **	کنترل رفتاری درک شده
	۱	-۰/۲۱۰ **	۰/۳۷۷ **	۰/۵۸۴ **	قصد رفتاری
۱	۰/۶۸۵ **	۰/۲۳۸ **	۰/۳۲۹ **	۰/۴۸۰ **	رفتار (رعایت حجاب)

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول 6 نشان می‌دهد که بین رفتار حجاب با نگرش نسبت به حجاب، هنجارهای انتزاعی و قصد رفتاری ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. اما بین رفتار حجاب و کنترل رفتاری درک شده، ارتباط معکوس و معنی‌دار وجود دارد.

جدول 7 نشان می‌دهد که از بین سازه‌های مدل رفتار برنامه‌ریزی شده، قصد رفتاری و نگرش پیش‌گویی‌کننده‌های رفتار حجاب می‌باشند؛ به طوری که به ازای هر واحد افزایش در متغیر قصد رفتاری، رفتار حجاب ۰/۵۷۴ واحد و به ازای هر واحد افزایش در متغیر نگرش نسبت به حجاب، رفتار حجاب ۰/۱۹۴ واحد افزایش می‌یابد.

جدول (7) بررسی رابطه متغیرهای پیشگو با متغیر پاسخ (رفتار حجاب)

متغیر	β	p-value
نگرش نسبت به حجاب	۰/۱۹۴	۰/۰۱۷
هنجارهای انتزاعی	۰/۰۴۲	۰/۵۶۲
کنترل رفتاری درک شده	-۰/۰۲۵	۰/۵۹۶
قصد رفتاری	۰/۵۷۴	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که میانگین نمره نگرش با رعایت رفتار حجاب شرکت‌کنندگان ارتباط معنادار داشت و نگرش یکی از مهم‌ترین پیش‌گویی‌کننده‌های رفتار حجاب بود. در مطالعه رجالی و همکارانش (رجالی، ۱۳۹۱) در زمینه نگرش دانشجویان به حجاب، ۱۹/۴ درصد با حجاب موافق، ۱۹

درصد مخالف و ۶۱/۶ درصد نظر بینابینی داشتند. در مطالعه احمدی و همکاران (احمدی، ۱۳۸۹) نیز نگرش با وضعیت رعایت حجاب رابطه معنادار داشت. هر چه نگرش افراد در زمینه رفتار حجاب بهتر گردد، رعایت حجاب بیشتر رخ خواهد داد. در مطالعه طیبی نیا و همکاران (طیبی نیا، ۱۳۹۲) بین باور به حجاب و رعایت حجاب رابطه علی مشاهده شد. میانگین نمره هنجارهای انتزاعی با رعایت حجاب ارتباط معنادار داشت. هم‌راستا با این نتیجه صالح‌آبادی (۱۳۹۰) در مطالعه خود بر روی زنان شهر اسفراین نشان داد که رابطه آماری معنی‌داری بین میزان اعتماد به خانواده و میزان رعایت حجاب وجود دارد. بیشتر افرادی که به خانواده خودشان در حد متوسطی اعتماد داشتند تا حدودی محجبه بودند و افرادی که به خانواده شان در حد کم اعتماد داشتند، بدحجاب بودند. در مطالعه رجالی (۱۳۹۱) خانواده اولین هنجار مؤثر برحجاب شناخته شد. در مطالعه زین آبادی (۱۳۸۶) بیان شده است که خانواده، دوستان و همسالان و جامعه در الگودهی به فرد و جامعه پذیری وی نسبت به حجاب نقش دارند.

میانگین نمره کنترل رفتاری با رعایت حجاب رابطه معنی‌دار داشته و کنترل رفتاری یکی از پیش‌گویی‌کننده‌های مهم رفتار رعایت حجاب می‌باشد. نتایج حاصل از این فرضیه هم‌راستا با یافته‌های صالح‌آبادی (۱۳۹۰) می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده یعنی، نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، از عوامل اصلی مرتبط با گرایش دختران و زنان ۹ تا ۴۵ ساله شهر همدان نسبت به حجاب می‌باشند.

طراحی پیام‌های مناسب از طریق نتایج مطالعه صورت گرفته برای ترویج حجاب برتر برای ایجاد نگرشی مثبت به رعایت حجاب برتر.

گنجانیدن مطالب درسی در رابطه با حجاب در واحدهای درسی مدارس و دانشگاه و برگزاری برنامه های ارتقاء دهنده وضعیت حجاب در شبکه های تلویزیونی.

معرفی و شناساندن دختران و زنان محجبه نخبه و موفق در کشور و حتی جهان، برای شکل گیری نگرشی مثبت نسبت به حجاب.

پرداختن به آموزه های دینی و آموزش های لازم در جهت رعایت و حفظ حجاب در سطح خانواده ها که مهم ترین عنصر را در شکل دادن به نگرش فرزندان را دارند.

آموزش و تربیت دقیق باورهای دینی، ارائه الگوهای دینی و همانندسازی با آنها می توانند زمینه را برای شکل گیری نگرشی مثبت نسبت به حجاب فراهم کنند.

ارائه استدلال عقلی، شرعی و اجتماعی در مورد آثار مطلوب فردی و اجتماعی حجاب با توجه به اینکه افراد بر اساس باورها و نگرش خود، الگوهای رفتاری و پوشش را انتخاب می کنند.

الگوسازی حجاب و عفاف از راه های مختلف به ویژه رسانه های ملی برای نسل جوان و رفع تناقض های الگویی موجود در این زمینه. منظور از تناقض های الگویی، وجود تفاوت های عمیق و متناقض میان الگوهای نظری و دینی و الگوهای عملی و در دسترس است. آنچه امروزه در محافل دینی و عمدتاً حوزوی مطرح است، تأکید بر ابعاد وجودی حضرت زهرا (سلام الله علیه) به عنوان برترین الگوی زنان عالم است. اما الگوهای عملی مطرح در زمینه حجاب و عفاف مانند آموزگاران، اساتید و شخصیت های مشهور تلویزیونی و سینمایی؛ گاهی اوقات در تناقض آشکار با الگوهای

مذهبی قرار داشته و مسیری متفاوت را فرا روی پیروان و دوستداران خویش قرار می‌دهند؛

بهبودی محصولات فرهنگی به‌ویژه کتاب‌ها، نشریات، فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی، برنامه‌های رایانه‌ای و ... و نیز نظارت و کنترل جدی بر گلوگاه‌های ورودی محصولات فرهنگی به کشور؛

راه اندازی انجمن‌های محلی یا ایجاد زمینه به وجود آمدن خرده‌سازمان‌های محلی با بهره‌گیری از افراد کارآمد و دارای انگیزه فرهنگی که در محله‌ها ساکن هستند و نسبت به مسأله عفاف و حجاب در حکومت دینی احساس مسئولیت دارند؛

معرفی الگوهای مناسب ارتباط زن و مرد مسلمان از سوی برنامه‌سازان فرهنگی پس از هماهنگی با متولیان امور دینی هم چون حوزه‌های علمیه؛
معرفی الگوی جامع و مناسب حجاب و پوشش اسلامی و ایجاد زمینه دسترسی آسان به این نوع پوشش؛

حذف ضداثرها و مظاهر ضداخلاقی؛

استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان ابزاری مثبت در جهت ترویج و ارائه الگوهای مختلف پوشش اسلامی.

ارتقای هنجارهای اجتماعی از طریق وسعت بخشیدن و افزایش پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، کاهش کنترل اجتماعی رسمی، افزایش احساس تعلق خاطر، تعهد و اعتبار به هنجارهای اجتماعی، افزایش احساس مسئولیت نسبت به رعایت قوانین و مقررات و به تبع آن کنترل رفتار توسعه فرهنگ حجاب در بین زنان و دختران.

ترغیب و آماده سازی دختران و زنان برای تغییر رفتار از طریق تشویق، آموزشهای جذاب همگانی با بهره‌گیری از گروه‌های مرجع تأثیرگذار. تسهیل تغییر رفتار از طریق در دسترس قرار دادن رفتار حجاب از لحاظ عینی و ذهنی با توجه به الگوهای پوشش ملی، متناسب و سازگار با فرهنگ بومی و رفع هرگونه موانع در این فرآیند.

غنی‌سازی اوقات فراغت دختران و زنان در جهت تخلیه هیجان‌های درونی و افزایش آگاهی؛

همان‌گونه که در یادگیری بسیاری از رفتارهای مطلوب با استفاده از روش پاداش و تشویق می‌توان عادت مطلوب را در فرد ایجاد کرد، در مورد ارزش اخلاقی حجاب نیز می‌توان از این روش سود جست. آنچه که ندای فطرت از عمق وجود درخواست می‌کند، به شرطی که مورد تشویق قرار گیرد، سریع‌تر به عمل می‌انجامد در صورتی که از ابتدای کودکی، خانواده و مخصوصاً مادر در مقابل رفتارهای مطلوب همراه با عفاف عکس‌العمل مثبت نشان دهد. مثلاً در چگونگی لباس پوشیدن به دختر کوچکش، توجه و دقت لازم را نشان دهد.

یکی از دستورات مهم اسلامی دربارهٔ فروع و احکام دین ثبات اخلاقیات در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است. هنگامی که تمام افراد پیرامون، خانواده دوستان، فامیل و همکاران او دربارهٔ رعایت شئون شرعی و ارزش‌های اخلاقی خصوصاً مساله عفاف نوجوانان به جا و به موقع تذکر لازم را بدهد؛ وی را دوستانه از خطاهایش آگاه سازند و آثار منفی رعایت نکردن را به وی گوشزد کنند، میزان ارج نهادن به این ارزش در جامعه بیشتر خواهد شد.

برنامه‌ریزی دقیق برای مدارس، دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دخترانه در راستای تبیین حجاب، به وسیلهٔ مبلغان آگاه، جوان، توانا، خوش اخلاق و با قدرت بیان مناسب. در این راستا می‌توان از ظرفیت‌های حوزهٔ علمیه و از جایگاه امام جماعت بهره برد و ایشان را از بانوان طلبه انتخاب کرد؛

وضع قوانین و مقررات لازم برای اصلاح وضعیت پوشش در جامعه. گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه. اجرای سیاست‌های بازدارنده به وسیلهٔ نیروهای انتظامی آموزش دیده و آشنا با دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی؛

اجرای سیاست‌های اصلاح‌گرایانه در ساختارهایی که غیر کارشناسانه کاری کنند و با اصول و مبانی تربیت اسلامی هماهنگ نیستند؛ به تصویر کشیدن معضلات عدم توجه به حجاب و اثرات ناشی از آن از طریق ساخت فیلم‌های تلویزیونی.

مورد تشویق قرار دادن زنان و دخترانی که از حجاب برتر استفاده می‌کنند و در همایش‌ها و مناسبت‌های مختلف که عموم مردم حضور دارند، شرکت می‌کنند.

آموزش و اطلاع‌رسانی در رابطه با فواید و محسنات حجاب و یادآوری روایات و احادیث دین مبین اسلام در خصوص رعایت حجاب. ارائه طرح‌ها و مدل‌های مناسب لباس که باعث حفظ کامل حجاب بوده و قیمت مناسبی هم داشته باشد و برای خانم‌ها هم قابل پذیرش و خوشایند باشد.

تلاش برای انتقال فرهنگ حجاب از راه سازمان‌های فرهنگی و رسانه‌های جمعی. در این راستا می‌بایست به تبیین و تشریح آثار مثبت و کارکردهای

فردی و اجتماعی حجاب و نیز آثار منفی بدحجابی و افشای سیاست‌های تهاجمی دشمنان اقدام کرد؛

پیشنهاد می‌شود در جهت افزایش رعایت حجاب برتر در کشور، دولت و تمام نهادها هر چه در توان دارند کمک کنند، چرا که دشمنان کشور ما و بد خواهان جوانان کشور از هیچ گونه تلاشی در جهت از بین بردن ارزش‌ها و باورهای ما دریغ نمی‌کنند، تصویب بودجه سالیانه برای امر حجاب و حتی ارائه کمک هزینه برای تهیه لباس‌هایی که حجاب کامل را با خود همراه دارند، می‌تواند مشوقی خوب و قدمی هرچند کوچک در راه افزایش حجاب عمومی جامعه باشد. همچنین، برخورد قاطع با متخلفان و مهره‌های اصلی فساد و ابتذال با استفاده از اصلاح قوانین و تعریف راهکارهای مؤثر در این زمینه؛ ارتقای ساختارهای نظارتی و کنترلی رسمی و غیررسمی در سطح جامعه و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌گیری از مشارکت جمعی در حل این معضل اجتماعی؛ لزوم انجام مطالعات بیشتر در زمینه عوامل تعیین‌کننده حجاب، انجام مطالعات نظری محور در زمینه بررسی رفتار حجاب و بررسی دقیق تر نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ترویج فرهنگ حجاب لازم است که مورد توجه قرار گیرد.

منابع

منابع فارسی

- آقایانی چاووشی، اکبر؛ طالبیان، داوود، حبیبی، مهدی، دهاقین، وحیده و انوری، سمیه سادات. دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر. مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، ص ۷۷-۸۱.

- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا، مرادی، آزاده و سید اسماعیلی، فتح اله (۱۳۸۹). رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی. مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
- اله وردی پور، حمید و حیدرینیا، علیرضا (۱۳۸۲). نگرشها و رفتارهای بهداشتی. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی همدان. چاپ اول.
- دشتی، سعید؛ شهرآبادی، رضا، معینی، بابک، مطهری پور، مرتضی و فردمال، جواد (۱۳۹۲). بررسی رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب بر مبنای تئوری رفتار برنامه ریزی شده. گزارش طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه علوم پزشکی همدان.
- رساله توضیح المسائل آیت الله سیستانی مسأله ۲۴۳۴
- رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و نقی پور ایوکی، سحر (۱۳۹۱). کنش های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. فصلنامه شورای اجتماعی فرهنگی زنان و خانواده، دوره چهارم، شماره ۵۶، ۷-۸۲.
- رجبی، سوران (۱۳۸۹). بررسی میزان رعایت حجاب برتر در دانشجویان و تأثیر آن بر شادکامی. دو فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه سال، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۲۰-۲۹.
- رجالی، مهری؛ مستاجران، مهناز و لطفی، مهران (۱۳۹۱). نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن. مجله تحقیقات نظام سلامت، سال هشتم، شماره ۳، ص ۴۲۴-۴۳۰.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴). تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- سفیدی، فاطمه؛ مافی، رویا، قدیمی، فاطمه و طاهرپور، مریم (۱۳۹۲). تأثیر رعایت حجاب بر عزت نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین. فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۷، دوره سوم، شماره ۲، ۲۱۷-۲۲۸.

- سلاجقه، آزیتا و موسی پور، نعمت اله (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای الگوی پوشش دانشجویان دانشگاههای دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی مطالعه موردی شهر بافت. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۳، ص ۱۵۳-۱۷۶.
- شارع پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب و محمدی، مهدی (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳، ص ۱ - ۲۹.
- صالح آبادی، ابراهیم (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناسی حجاب زنان در شهر اسفراین اعتماد و حجاب. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، دوره چهارم، شماره ۱۲، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- طیبی نیا، موسی و احمدی، حبیب (۱۳۹۲). مدل یابی ساختاری حجاب و عفاف. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، دوره ۴، شماره ۱۶، ص ۴۵-۶۶.
- علوی، حمیدرضا و حجتی، مرضیه (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۶۳-۸۸.
- فرهنگ واژه نامه فارسی میانه (پهلوی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۴
- فرهنگ پویا. فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. قم: دفتر پژوهش‌های فرهنگی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مجتهدی، زهرا و خدادادی، عشرت (۱۳۷۷). بررسی میزان آگاهی و نگرش دختران دبیرستانی شهر ملایر نسبت به حجاب برتر. گزارش طرح پژوهشی مصوب آموزش و پرورش استان همدان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مسأله حجاب، تهران، صدرا.
- مولایی، جابر و یوسف وند، شهلا (۱۳۹۳). بررسی جامعه شناسی عوامل مؤثر بر حجاب (مطاله موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان). فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره ۳، ص ۳۵-۴۶.

منابع انگلیسی

- Ajzen I (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211.

- Anderson DR (2007). Redefining Hijab: American Muslim women's standpoints on veiling. *Application Commun Research*, 35(3), 294-319.
- Armitage, C. J., & Conner, M. (2001). Efficacy of the theory of planned behavior: A meta-analytic review. *British journal of social psychology*, 40(4), 471-499.
- Bhui, K., Khatib, Y., Viner, R., Klineberg, E., Clark, C., Head, J., & Stansfeld, S. (2008). Cultural identity, clothing and common mental disorder: a prospective school-based study of white British and Bangladeshi adolescents. *Journal of epidemiology and community health*, 62(5), 435-441.
- Conner, M., & McMillan, B. (1999). Interaction effects in the theory of planned behaviour: Studying cannabis use. *British journal of social psychology*, 38.(2)., 195-222.
- .(2008). The role of veil women on self-esteem and academic achievement of undergraduate students at Tehran University in year 85-86. *Cultural Engineering Journal*, 19. (20).
- Norman, P., Armitage, C. J., & Quigley, C. (2007). The theory of planned behavior and binge drinking: Assessing the impact of binge drinker prototypes. *Addictive behaviors*, 32.(9)., 1753-1768.
- Ramachandran, L., Dharma Lingam, T. (2009). *HealthEducation*. Shafii, F., & Azargashb, E. (trance). 4th ed. tehran: University of Tehran Press. (UTP)., PP,163-250.